



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

Atlantic Council

چهار سناریوی پاسخ ایران به اسرائیل

ایران متعدد شده که به حمله اسرائیل پاسخ دهد. از زمان آغاز درگیری اسرائیل و حماس از شش ماه پیش، گزارش شده است که اسرائیل هجده تن از مقامات سپاه را ترور کرده است. سیاست «صبر راهبردی» تهران ممکن است همچنان مقامات ایرانی و در نهایت رهبر عالی ایران، آیت‌الله علی خامنه‌ای را وادار کند تا به روشی سنجیده پاسخ دهند. سفیر ایران در سازمان ملل متحد پنجشنبه گذشته گفت که «پس از پاسخ ایران به اسرائیل» با خبرگزاری‌های آمریکایی مصاحبه خواهد کرد. سوال بزرگ این است که آیا ایران می‌خواهد به گونه‌ای تلافی کند که معادل از دست دادن سردار زاهدی باشد یا آیا تهران خواهان تلافی ظاهری با هدف اجتناب از واکنش متقابل اسرائیل است؟ پاسخ به این سوال مشخص می‌کند که چه اتفاقی می‌افتد. چهار سناریو وجود دارند که واقع‌بینانه‌ترین سناریوها هستند.

پاسخ ایران نامتعارف بوده و در منطقه نیست. ماه گذشته، پلیس پرویک افسر نیروی قدس را دستگیر کرد که ادعا می‌شد در حال برنامه‌ریزی برای ترور یک مقام اسرائیلی در جریان مجمع همکاری‌های اقتصادی آسیا و اقیانوسیه بود. در ژوئن سال ۲۰۲۲، یانیر لاپید، وزیر خارجه وقت اسرائیل، چند هفته پس از ترور شدن سرهنگ خدایی در خارج از منزلش در تهران، از اسرائیلی‌ها خواست که فوراً ترکیه را ترک کنند و مدعی شد که ممکن است هدف قرار بگیرند. یک حمله این چنینی موفقیت‌آمیز احتمالاً مبنای کافی برای ایران فراهم می‌کند که بگوید تلافی کرده است. اما خطر تشدید درگیری کنونی به یک جنگ منطقه‌ای را به حداقل می‌رساند.

ایران از شرکا یا نیروهای نیابتی خود مانند حزب الله برای حمله به اهدافی در داخل اسرائیل استفاده می‌کند. حزب الله در مورد تعامل خصمانه با اسرائیل محاسبات مستقل و تصمیم‌گیری خود را دارد. اما اگر ایران اصرار کند که حزب الله برای انتقام از ترور شدن نزدیکترین مقام سپاه قدس به این گروه اقدام کند، ممکن است حسن نصرالله، رهبر حزب الله، این درخواست را رد نکند. اگر او این کار را انجام دهد، احتمالاً پاسخی می‌دهد که می‌تواند ادعا کند یک انتقام جویی موفقیت‌آمیز است اما اسرائیل آن را تشدیدکننده‌تر یا تهدیدکننده‌تر از حملات چند ماهه اخیر نخواهد دید.

ایران از نیروهای نیابتی خود در عراق یا سوریه برای حمله به اهداف ایالات متحده استفاده می‌کند. نیروهای نیابتی ایران از اواخر ژانویه که سه سرباز آمریکایی در ارن کشته شدند و ایران فوراً به دنبال فاصله گرفتن از این حمله برای جلوگیری از خطر درگیری با ایالات متحده و جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر، به نیروهای آمریکایی در عراق یا سوریه حمله نکرده‌اند. این نظر ایران، این گزینه می‌تواند با تأکید بر اینکه ایالات متحده از اقدامات اسرائیل میرا نخواهد بود، بازتاب‌دهنده افزایش دهد. این دیدگاه شاید عکس دیدگاه واشنگتن باشد که ایران را مسئول حمله ۷ اکتبر حماس می‌داند. ایران احتمالاً معتقد است که هرگونه پاسخ ایالات متحده بیش از حد بزرگ خواهد بود و باید به اندازه کافی متناسب باشد تا اولویت ثابت ایالات متحده برای اجتناب از یک جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر برآورده شود. ایالات متحده پس از حمله اسرائیل علناً تأکید کرد که نقشی در این حمله نداشته و از برنامه‌ریزی اسرائیل برای حمله آگاه نبوده است. اگر نیروهای نیابتی ایران با این وجود به کارکنان و منافع آمریکا در منطقه حمله کنند، دولت بایدن ممکن است لازم بداند که به سرعت به گونه‌ای پاسخ دهد که بسیار فراتر از آنچه ایران فکر می‌کند بوده و حتی فراتر از واکنش واشنگتن در اوایل فوریه به حملات این گروه بود.

ایران به‌طور نظامی و مستقیم به سرزمین اسرائیل حمله می‌کند و/یا مقامات ارشد اسرائیل را ترور می‌کند. حمله ترکیبی با استفاده از موشک‌های بالستیک یا هوایماهای بدون سرنشین علیه اهداف داخلی اسرائیل تأثیرگذارترین و پرخطرترین گزینه در دسترس تهران خواهد بود. در حالی که ایران ممکن است به دنبال جلوگیری از تشدید درگیری به یک جنگ تمام‌عیار باشد و فقط با حمله به اهداف نظامی یا اطلاعاتی، پاسخ دهد، اما این اقدام همچنان خطرناک خواهد بود؛ با توجه به اینکه ایران تلاش کرده از یک درگیری گسترده‌تر جلوگیری کند، ممکن است برای اجرای چنین حمله‌ای آنچنان که باید آمادگی نداشته باشد. تهران همچنین ممکن است بر این باور باشد که چنین حمله‌ای می‌تواند آمریکا را به افزایش فشار بر اسرائیل وادار کند تا دوباره انتقام نگیرد. اما اسرائیل تقریباً به‌طور قطع به از دست دادن پرسنل غیرنظامی یا نظامی در اسرائیل یا به ترور مقامات ارشد پاسخ فوی خواهد داد. این گزینه پتانسیل بالایی برای آغاز یک جنگ تمام‌عیار و منطقه‌ای دارد.



نصرالله، انتظام در مجمع عمومی سازمان ملل

تهران و وزیر و پیشکار کامران میرزا منصوب شد و از این تاریخ به وزیر معروف شد. گسترش تهران در سال ۱۲۸۴ قمری زیر نظر میرزاعیسی و میرزا یوسف آشتیانی انجام شد. میرزاعیسی بار دیگر در سال ۱۲۹۸ قمری و پس از فوت محمد ابراهیم خان وزیر نظام دایمی کامران میرزا به وزارت تهران رسید و تا زمان فوت در سال ۱۳۱۰ قمری در این منصب برقرار بود. میرزاعیسی از اموال خود مسجدی برای شیخ‌هادی نجم‌آبادی ساخت که اکنون به نام مسجد و مدرسه میرزاعیسی خان وزیر معروف است. علاوه بر این او یک سوم از میراث خود را به ساخت بیمارستان اختصاص داد. شیخ‌هادی به‌عنوان وصی میرزاعیسی نظارت بر ساخت‌وساز این بیمارستان را بر عهده گرفت. این بیمارستان امروز به بیمارستان وزیر شهرت دارد. از دیگر موفقات میرزاعیسی قنات سراب وزیر است که مظهر آن در گذر «لب تشنه» در خیابان فروزش تهران قرار گرفته است. میرزا عبدالله انتظام السلطنه برادر میرزاعیسی و پدر میرزا محمدخان انتظام السلطنه است. میرزا محمدخان انتظام السلطنه ریاست نظمی دوره قاجار را بر عهده داشته و رابطه نزدیکی با ظهیرالدوله، داماد ناصرالدین‌شاه داشته و همچنین همسرش از خاندان سرشناس غفاری کاشان است. سیدمحمد انتظام وزیری پس از آشنایی با ظهیرالدوله، انجمن اخوت را بنا کرد که از افراد صوفی تشکیل شده بود. او در این انجمن نایب‌رئیس انجمن بود و پس از فوت ظهیرالدوله، به ریاست انجمن برگزیده شد. پس از او نیز مدتی فرزندش عبدالله انتظام ریاست آن را بر عهده داشت. هم‌زمان با حاکمیت ظهیرالدوله بر تهران، انتظام السلطنه سمت ریاست نظمی را بر عهده داشت. قبرستان ظهیرالدوله در خیابان دربند که بسیاری از مشاهیر در آن مدفون هستند منصوب به همین ظهیرالدوله است. نصرالله و عبدالله انتظام وزیری دو وزیر امور خارجه دوران پهلوی دوم فرزندان میرزا محمدخان انتظام السلطنه هستند. نصرالله انتظام وزیری در سال ۱۲۷۸ شمسی در تهران متولد شد و پس از انجام تحصیلات متوسطه در دبیرستان صنعتی که به مدرسه آلمانی‌ها شهرت داشت، وارد مدرسه حقوق و علوم سیاسی شد. پس از اخذ دانشنامه لیسانس در رشته حقوق در سال ۱۲۹۸ به استخدام وزارت امور خارجه درآمد و در این وزارتخانه مشاغلی چون نایب‌دومی سفارت ایران در پاریس و ورسوی لهستان، نایب‌سفارت لندن و برن، ریاست اداره سوم سیاسی و ریاست اداره عهد و جامعه ملل را طی کرد. در دهم مرداد ۱۳۱۱ پس از لغو قرارداد دارسی، دولت انگلستان شکایت خود را از لغو قرارداد تسلیم دبیرخانه جامعه ملل کرد و روز نهم دی‌ماه ۱۳۱۲ هیئت‌اعزای ایران به ریاست علی‌اکبر داور، وزیر دادگستری در جلسات شورای جامعه ملل به شکایت دولت انگلیس پاسخ داد و دفاع نمود. در این ماموریت نصرالله انتظام نقش فعالی ایفا کرد و لایحه‌ای مستند تهیه کرد و داور به استناد آن، پاسخ وزیر امور خارجه انگلیس را داد. پس از بازگشت از ژنو، انتظام به‌عنوان نایب سفارت ایران به لندن رفت. مدت ماموریت او در لندن ۱۰ ماه بود و پس از مدتی به معاونت نمایندگی ایران در جامعه ملل و کاردار سفارت ایران در سوئیس منصوب شد و ۵ سال در این سمت باقی ماند. او سال ۱۳۱۷ به تهران مراجعت کرد و چندی در وزارت امور خارجه به‌عنوان رئیس اداره سوم سیاسی خدمت کرد و پس از آن به سمت رئیس تشریفات دربار منصوب شد.

رئیس تشریفات دربار

در سال ۱۳۱۸ رضاشاه از متین‌دفتری، نخست‌وزیر وقت و مظفر اعلم، وزیر امور خارجه درخواست معرفی یکی از مأمورین وزارت امور خارجه را برای ریاست تشریفات خارجی دربار نمود که از میان لیست ده‌دفتری ارائه‌شده، نصرالله انتظام انتخاب شد. یکی از علل اصلی این انتخاب تسلط انتظام به زبان آلمانی بود و رضاشاه در این اندیشه بود که برنده جنگ، آلمان هیتلری خواهد بود. در جریان قضایای سوم شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران، وی کامکان در این سمت قرار داشت. خاطرات او در این دوران با عنوان سوم شهریور از دیدگاه دربار منتشر شده و بیانگر فراز و نشیب دوران اشغال ایران است. انتظام در طول شهریور ۱۳۲۰ در سمت ریاست تشریفات خارجی دربار و تسلط بر زبان‌های فرانسه، انگلیسی و آلمانی، نقش مترجم را در ارسال و دریافت تلگراف‌های مهم خارجی ایفا نمود.

او به‌عنوان رئیس تشریفات دربار، ماموریت آوردن محمدعلی فروغی ذکاءالملک به دربار برای دیدار رضاشاه و پذیرش نخست‌وزیری را بر عهده داشت و از نزدیک شاهد مهم‌ترین تحولات آن دوران بود. ریاست اداره تشریفات دربار زمینه‌ترقی او را فراهم کرد و نصرالله انتظام در سال ۱۳۲۰ و با شروع به کار کابینه دوم علی سیهلی به وزارت بهداشت برگزیده شد؛ در زمان نخست‌وزیری قوام السلطنه، به وزارت پست و تلگراف و تلفن رفت و وزیر شد. سپس در زمان تشکیل کابینه محمد ساعدراغی‌ای در سال ۱۳۲۳ به وزارت راه منصوب شد و در نهایت در کابینه سهام‌السلطان بیات برای مدت کوتاهی وزیر امور خارجه بود. او در آذرماه ۱۳۲۳ از وزارت راه به وزارت امور خارجه رفت و در اواخر اسفند همان سال از وزارت امور خارجه کناره‌گیری کرد و در همین زمان به‌عنوان عضو هیئت ایران برای شرکت در کنفرانس سانفرانسیسکو عازم آمریکا شد. در این کنفرانس انتظام به‌عنوان یکی از اعضای کمیسیون برگزاری کنفرانس انتخاب شد. وظیفه این کمیسیون، تدوین مقررات اجرای منشور سازمان ملل متحد و ارائه آن به نخستین مجمع عمومی سازمان بود. نخستین مجمع، سال ۱۳۲۵ در لندن تشکیل شد. انتظام که به‌عنوان عضو هیئت‌نماینده ایران به ریاست سیدحسن تقی‌زاده، سفیر ایران در لندن بود، در مجمع عمومی شرکت کرد. پس از برگزایی مجمع عمومی، انتظام به سمت رئیس هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل برگزیده شد و در همین سمت از محمدرضاشاه پهلوی که بنا به دعوت رئیس‌جمهور آمریکا به این کشور سفر کرد، در نیویورک استقبال کرد.

همراهی و در نهایت بر مجمع عمومی کنگره حزب رستاخیز ریاست کرد، پشتیبان برادر دیگرش بود. عبدالله انتظام که وزارت امور خارجه دولت کودتا را پذیرفته بود، با سرکوب خرداد ۱۳۴۲ مخالفت کرد و تا آخر عمر مورد غضب قرار گرفت و خانه‌نشین شد و در نهایت وقتی این وزیر صوفی مسلک در دی ۱۳۵۷ عضویت در شورای سلطنت را پذیرفت که کار از کار گذشته بود و نتوانست قذحی از یاده قدرت بنوشد.

خاندان وزیری از سادات تفرش و صوفی مسلک بودند. میرزا موسی خان وزیر و فرزندش میرزاعیسی خان وزیر سرشناس‌ترین اعضای این خاندان تا زمان خود بودند که به مقام وزیر و پیشکار و نایب‌الحکومه تهران منصوب شدند که به نوعی تا پیش از ایجاد بلدیة عهددار امور شهری بودند و به همین واسطه نیز امکان و آبنه مهمی در تهران به نام این دو نفر باقی مانده است که مسجدی در بازار تهران به نام میرزا موسی و مسجد میرزاعیسی در خیابان وحدت اسلامی رویه‌روی خیابان بهشت از آن جمله است. میرزاعیسی پس از فوت پدرش در سال ۱۲۸۲ قمری به‌جای او به‌عنوان نایب‌الحکومه

کارنامه دیپلماتیک نصرالله و عبدالله انتظام از همدستی با کودتا تا مخالفت با سرکوب ۱۳۴۲

دو برادر که وزیر خارجه شدند



داود دشتیانی

خبرنگار گروه دیپلماسی

خاندان انصاری با داشتن سه وزیر امور خارجه و چندین دیپلمات در دوران قاجار و پهلوی، مهم‌ترین خاندان در دستگاه دیپلماسی ایران بوده و هستند اما تنها یک خاندان هستند که دو برادر توانستند به وزارت امور خارجه دست پیدا کنند و آن هم نوادگان میرزا موسی خان وزیر، نصرالله و عبدالله انتظام وزیری هستند. این دو برادر در شماری از مهم‌ترین وقایع تاریخ معاصر ایران حضور داشتند. نصرالله انتظام که در زمان اشغال ایران در سوم شهریور ۱۳۲۰ رئیس تشریفات دربار بود و تحولات مهم را از نزدیک مشاهده کرد از زمانی که به‌عنوان نماینده ایران به ریاست مجمع عمومی سازمان ملل رسید و در کمیسیون تعیین وضعیت فلسطین از تشکیل کشور واحد فلسطینی دفاع کرد تا زمانی که با طراحان کودتای ۲۸ مرداد